

## فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل (علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی)

سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

صفحات: ۷۳ - ۹۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۹؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۲/۲۵



### حجیت قاعده ظهور در فقه امامیه

اسماعیل رضائی<sup>۱</sup>، دکتر محمدرضا فلاح<sup>۲\*</sup>، دکتر محمدجواد جعفری<sup>۳</sup>

#### چکیده

اعتبار و حجیت احکام شرعی از طریق ظواهر کتاب و سنت در نزد دانشمندان اصول و فقه امامیه امری پذیرفته شده و مسلم تلقی می‌شود. مراد از حجیت بودن ظواهر قرآن این است که ظاهر قرآن مانند هر متن بشری برای خواننده و شنونده قابل فهم می‌باشد و آنچه را که انسان از ظواهر قرآن با استفاده از قرائن لفظی و سیاق و سباق متوجه می‌شود برای وی حجیت می‌باشد و به همین ترتیب احادیث و روایاتی که از پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین علیهم‌السلام به دست ما رسیده است حجیت هستند. از این رو مقاله مذکور پس از بسط فضای مفهومی موضوع تحقیق، دلایل حجیت قاعده ظهور در فقه امامیه را مورد بررسی و مطالعه قرار خواهد داد. مطابق با مستندات موضوعی ارائه شده در این مقاله، روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات در آن، کتابخانه‌ای می‌باشد. یافته‌های این مطالعه، حاکی از آن است که: اولاً در فقه امامیه ظاهر قرآن کریم و احادیث و روایات موثقی که در اختیار ماست حجیت هستند، زیرا اگر غیر از این باشد نه تنها ارتباط مسلمانان با کتاب آسمانی و احادیث و روایات قطع می‌شود بلکه اعتماد از جامعه مسلمانان نیز سلب می‌شود، ثانیاً ظواهر قرآن کریم و روایات بسان هر متن مکتوب دیگر تابع ضوابط زبانی و کلامی است و همان گونه که از ظاهر هر متن دیگر می‌توان با استفاده از قرائن لفظی و معنوی به مقصود گوینده یا نویسنده پی برد، ظاهر قرآن کریم و به تبع آن روایات موثق نیز برای مسلمانان حجیت است.

واژگان کلیدی: قرآن، حجیت، قاعده ظهور، فقه امامیه

\* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبئی، امارات متحده عربی

\*\* استادیار حقوق خصوصی دانشگاه شاهد تهران (نویسنده مسئول) p\_avocat@hotmail.fr

\*\*\* استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

## مقدمه

مهمترین و عمده‌ترین راه به دست آوردن خواسته‌های شارع مقدس از روی متون کتب و سنت، ظواهر الفاظ است. از آنجا که ظواهر الفاظ مفید ظن نوعی به مراد متکلم است، عقلاً و نقلاً برای اینکه بتواند مثبت و به دست دهنده‌ی مراد متکلم باشد، در اعتبار خود نیازمند دلیل قطعی است. این دلیل، عمدتاً از روی سیره‌ی عقلانی و سیره‌ی متشرعه به وسیله دانشمندان اصول فقه در مبحث حجیت ظواهر، تقریر و تثبیت شده است. با تثبیت چنین دلیلی، ظواهر الفاظ راهی معتبر و قابل اعتماد برای به دست آوردن اهداف الفاظ کتاب و سنت می‌شود. از این اعتبار به حجیت ظواهر الفاظ یاد می‌شود که حکایت از سندیت مدرک بودن این ظواهر بین گوینده‌ی سخن و شنونده یا خواننده‌ی آن دارد. (سرامی، ۱۳۹۲: ۱۲-۵۰)

لذا بررسی حجیت قاعده ظهور در فقه امامیه در قالب این مقاله از این جنبه حائز اهمیت است که هر چند در اعتبار ظواهر الفاظ فی الجمله اختلاف و اشکالی نیست. اما در مواردی این اعتبار مورد تردید و اشکال واقع شده است که عمدتاً از سوی اخباریون و اخیراً نیز از سوی برخی از دانشمندان مطرح شده است. یکی از این موارد، حجیت ظواهر قرآن کریم است که با ادعای ویژگی‌هایی درباره‌ی قرآن همراه است. موضوع حجیت ظواهر قرآن یکی از مباحث اصولی در اصول فقه شیعه است که از دوران تقابل اندیشه‌ی اخباری‌ها و اصولی‌ها جای خود را باز کرده است، اهمیت این مقاله زمانی روشن‌تر خواهد شد که به تلاش فقه امامیه در پاسخگویی به شبهات اخباریون می‌پردازد و تلاش دارد تا حجیت ظاهری و باطنی قرآن و عقل و عقلا را که از منابع فقه می‌باشد اما سوی اخباری‌ها مورد قبول واقع نشده است را با استناد به آیات و روایات نشان دهد. لذا ما با این سوال روبه رو هستیم که: دیدگاه فقه امامیه را نسبت به حجیت قاعده ظهور مورد بحث و تبادل نظر قرار دهیم.

## ۱- پیشینه تحقیق

بی شک یکی از مهمترین انگیزه‌های محقق در انتخاب این موضوع، عدم ارائه پژوهشی جامع و روشن در این زمینه بوده است. محقق بر این عقیده است که علیرغم انجام پژوهش‌ها و تحقیقاتی در زمینه‌های بررسی حجیت قاعده ظهور در فقه امامیه،

تاکنون هیچکدام از آن‌ها به صورت مستقل به بررسی اهمیت و دلایل توجه به این قاعده پرداخته است و نیز نظراتی که پیرامون این موضوع در ادامه مطرح می‌شود به شکلی متفاوت به مسئله ظهور از بعد کلی اشاره دارند و هیچکدام به طرح، دفاع یا انکار فرضیه‌های این پژوهش، به صورت خاص و منسجم نپرداخته‌اند و یا اگر بحثی در این زمینه صورت گرفته، ساماندهی منظمی نداشته است. برای روشن شدن پیشینه تحقیق به ذکر چند نمونه از پژوهش‌های انجام شده در این زمینه اکتفا می‌کنیم.

بحث بررسی حجیت قاعده ظهور، در آثار نویسندگانی چون: آخوند خراسانی در کفایه الاصول، مظفر در کتاب اصول فقه، آیت ... سبحانی در کتاب الموجز فی اصول الفقه، محمد باقر بهبهانی معروف به وحید بهبهانی در کتاب الاجتهاد و الاخبار و سایر کتب مرتبط، شیخ مرتضی انصاری در فرائد الاصول اشاره شده است. علاوه بر آن‌ها منصوری خواجه لنگی در مقاله‌ای با عنوان: «بررسی حجیت ظواهر قرآن از منظر علمای اصولی و اخباری» به بررسی حجیت ظواهر قرآن از منظر علمای اصولی و اخباری پرداخته است. یافته‌های این مقاله حکایت از آن دارد که: نظریه اخباریون مبنی بر حجت نبودن ظواهر قرآن با تمام تفضیلاتی که این دسته از دانشمندان ابراز داشته‌اند، نادرست بوده و دلایل آن‌ها فاقد استحکام و استواری است.

سید مهدی سروری در پایان‌نامه‌ای با عنوان: «بررسی تطبیقی حجیت ظواهر و هرمنوتیک» به معانی لغوی و اصطلاحی حجیت در افکار اصولی و اخباری پرداخته و در ادامه اقسام ظهور را مورد بررسی قرار می‌دهد. در ادامه نیز حجیت ظواهر را مورد بررسی قرار داده و در آخر به بررسی تطبیقی هرمنوتیک و حجیت ظواهر و رابطه معنانشناسی از دیدگاه هرمنوتیک و اصولی، کنترل پیش فرض‌ها و قواعد هرمنوتیک دینی و امکان بازسازی قواعد دینی و امکان بازسازی افق صدور و کشف ظهور، موارد مطابقت حجیت ظواهر و هرمنوتیک ... را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

صدیقه میر شمسی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان: «حجیت ظواهر آیات قرآن کریم» معتقد است که بحث از حجیت ظواهر آیات در حقیقت گفتگو از اصل حجیت آیات است زیرا اگر ظواهر آیات حجت نباشد، نظر به اینکه نصوص بسیار کم است، از آیات به عنوان دلیل اصلی احکام چیزی باقی نمی‌ماند تا در استنباط احکام شرعی بدان استناد شود. نگارنده معتقد است که حجیت ظواهر آیات قرآن مجید همچون ظواهر سنت و سایر امارات ظنی به دلیل معتبر قطعی نیازمند است وی مهمترین دلیل بر حجیت ظواهر را، سیره عقلا می‌داند.

۷۶ تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

سرامی سیف الله (۱۳۹۲) نیز در مقاله‌ای با عنوان: «بررسی نزاع اخباری‌ها و اصولی‌ها در حجیت ظواهر قرآن کریم» به بررسی نزاع اخباری‌ها و اصولی‌ها در خصوص حجیت ظواهر قرآن می‌پردازد و در ادامه ادله این دو گروه را بررسی می‌کند و معتقد است که با روشن شدن رابطه‌ی روایات و قرآن و به دست آوردن طول و عرض این رابطه، جایگاه قرآن در نظام حقوقی اسلامی نیز به دست خواهد آمد.

## ۲- نوآوری پیشینه تحقیق

با بررسی پیشینه تحقیق می‌توان بیان داشت که هیچکدام از این پیشینه‌ها به بررسی موضوع اصلی یعنی حجیت قاعده ظهور در فقه امامیه نپرداخته‌اند لذا این موضوع در پیشینه‌های ذکر شده مغفول واقع شده است و منابعی که مورد بررسی قرار گرفت هیچکدام به صورت مستقیم و همزمان به بررسی و تبیین موضوع این پژوهش نپرداخته و تنها به صورت کلی و غیرمستقیم اشاره‌ای به این موضوع داشته‌اند. اما پژوهش مذکور تلاش دارد تا این موضوع را به صورت علمی و آکادمیک مورد مطالعه قرار دهد و با مشخص نمودن بررسی دلایل حجیت قاعده ظهور فواید و پیامدهای مثبت آن در جامعه مشخص نماید.

## ۳- یافته‌های تحقیق

دلایل ضرورت بررسی حجیت ظهور (ظاهر و باطن) در فقه امامیه در خصوص اهمیت این موضوع لازم به استناد است که اولاً: جامعه اسلامی ما و از جمله برخی از قوانین مدنی و اکثر قوانین جزائی آن براساس آموزه‌های دین اسلام اعم از کتاب و سنت و... تنظیم گردیده است، بنابراین جا دارد که امور زندگی ما براساس قرآن تنظیم شود و آحاد جامعه بخصوص مسئولین عالی‌رتبه و قضات دادگستری با حقوق الهی و اجتماعی که خدای متعال برای انسان در نظر گرفته است از روی آیات قرآن استنباط نمایند و این امر زمانی میسر خواهد شد که به حجیت ظواهر قرآن کریم اعتقاد داشته و با استفاده از تفاسیری که از شخص پیامبر اکرم (ص) ائمه معصومین (ع) و مفسرین قرآن تاکنون به دست ما رسیده بهره گرفته و به آنچه که از ظاهر و باطن قرآن فهمیده می‌شود عمل کنیم و در حقوق ایران این نیاز وجود دارد که قوانینی را که ظاهر آن‌ها برای آحاد قضات و حقوقدانان واضح و آشکار نیستند و بعضاً منجر به صدور آراء

متناقض از سوی برخی قضات خواهد شد، توسط حقوقدان‌های برجسته، عادل و آگاهی که هم به علم دین و هم به علم حقوق آگاهی و اشراف کامل دارند مشخص گردیده و سپس اجرا شود علاوه بر این چه بسا اشخاص حقیقی و حقوقی در روابط تجاری و غیرتجاری خود و دولت‌ها در امور بین‌المللی با یکدیگر عقود را منعقد می‌کنند و به علت اینکه الفاظی که به کار می‌برند گویای نیت حقیقی ایشان نمی‌باشد، اختلافات عدیده‌ای به وجود می‌آید که لازم است قضات و حقوقدانان علاوه بر تسلط به امور حقوقی داخلی و بین‌المللی مسلط به علوم قرآنی، فقه، حقوق و اصول اسلامی نیز باشند، زیرا اکثر قوانین توسط عقلای علم حقوق به رشته تحریر درآمده است، در حالی که آنچه تاکنون به آن رسیده‌ایم گویای این مطلب است که علوم عقلی به تنهایی به هیچ وجه قادر نبوده جایگزین وحی شود همچنین براساس قانون، کلیه معاهدات باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد و نظارت شورای نگهبان تشخیص می‌دهد که این معاهدات مطابق شرع است یا خیر. ثانیاً: از مسائل پیچیده در ادله‌ی اثبات دعوا در حقوق اسلام و حقوق موضوعه مسأله‌ی تعارض اصل و ظاهر است. این پیچیدگی اصل و ظاهر دارای علت‌های مختلفی است: یکی از علت‌ها این است که ادله‌ی اثبات احکام شرعی با ادله‌ی اثبات احکام حقوقی، تفاوت دارد زیرا ادله‌ای که احکام شرعی را ثابت می‌کنند، منحصر در قرآن، سنت، اجماع و عقل است اما ادله‌ی اثبات‌کننده‌ی احکام حقوقی (حقوق موضوعه) که عمدتاً از نیازهای اجتماعی نشأت می‌گیرند، بسیار گسترده‌تر است و دلایلی همچون قیاس، عرف، رویه‌ی قضایی، دکترین و ... را در بر می‌گیرند که در کنار متن قانون به کار می‌روند (علیشاهی قلعه جوقی، نجفی کشکولی، ۱۳۹۶: ۱۸۸). ثالثاً: فقیه برای به دست آوردن احکام شرعی احتیاط بسیاری می‌کند زیرا می‌خواهد این حکم را به خدا نسبت دهد پس باید بسیار مواظب باشد تا سخنی بیهوده به خداوند نسبت ندهد. رابعاً: فقیه می‌کوشد تا حد ممکن از راه علم یا ظنی که مورد تأیید شارع است به حل قضایا پردازد در حالی که دست یافتن به چنین خواسته‌ای بسیار دشوار است. به خصوص که هر چه از عصر امامت فاصله می‌گیریم، ادله علمی پاسخگوی نیازهای جامعه نمی‌باشد. یک حقوقدان و قاضی نمی‌تواند با صبر و تأمل بیش از حد در انتظار کشف حقیقت باشد، بلکه باید در صدد حل قضایی مشکلات و فصل خصومت باشد. با گذشت زمان و نیازهای مردم، فقها را بر آن داشت تا از تقسیم‌بندی دلایل به قطع و ظن معتبر، دست بردارند و دامنه‌ی دلایل را

۷۸ تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

گسترش دهند تا با گسترش دامنه‌ی اصول عملیه در ابتکار راه‌های دیگر سعی کنند تا هر چند به صورت ظاهری، احکام شرعی را به دست آوردند تا اختلاف مردم را حل کنند. طبیعی است که فقها در این راه فقط به منابع شرعی توجه نداشتند بلکه به دلایل عرفی نیز که مخالفت آشکاری با منابع شرعی نداشت، استناد کرده‌اند. (علیشاهی قلعه جوقی، نجفی کشکولی، ۱۳۹۶: ۱۸۸).

حالا با توجه به بررسی دلایل اهمیت قاعده ظهور اکنون لازم است تا به بررسی معنی این قاعده بپردازیم.

### معنای لغوی و اصطلاحی ظهور:

ظهور در لغت مصدر باب «ظهر، یظهر» در مقابل بطن، به معنای آشکار شدن چیزی بعد از خفاست. از ماده این واژه هنگامی استفاده می‌شود که چیزی حجاب از چهره برگشاید و خود را نمایان کند، از این رو به نیمروز، ظهر می‌گویند که ظاهرترین و روشن‌ترین اوقات روز است. در فقه نیز به معنای: اصالت ظهور، یعنی اخذ به ظهور کلام (معنای راجح) و الغای احتمال خلاف آن (معنای مرجوح) گفته می‌شود. توضیح اینکه گاهی آیه‌ای نظر به ویژگی‌های واژگان و اسلوب بیانی آن، بر دو یا چند معنا دلالت دارد. (راد و علی تبار، ۱۳۹۳: ۸۵۵-۸۵۶).  
اکنون در مورد معنای ظهور و ظاهر توضیح می‌دهیم.

### ظهور در لغت:

ظهور عبارتست از دلالت لفظ بر معنای مقصود، ظهور مقابل خفا، در لغت به معنای آشکار بودن است (ابن منظور، ۱۳۷۴: ۵۲۰).

### ظهور در اصطلاح:

منشأ پیدایش ظهور، دلالت تصویری است که از وضع یا معنای ارتکازی عرفی نشأت گرفته است، به طوری که اگر لفظی که از متکلم صادر می‌شود به گونه‌ای باشد که محرز شود متکلم جلی است و قصد شوخی ندارد و از روی قصد و شعور سخن می‌گوید و در مقام بیان و إفاده معناست و قرینه متصل مبنی بر اراده خلاف موضوع له در کار نباشد، دلالت تصدیقی یا ظهور در کلام، منعقد می‌شود. ظهور، چه تصویری چه

تصدیقی، بر دو نوع است: الف) ظهور شخصی یا فعلی. ظهوری است که در ذهن انسان معین ایجاد می‌شود، متأثر از عوامل شخصی است، در هر فردی با توجه به ذهنیات آن شخص مختلف است و در واقع تابع علایق و ذهنیات شخصی است؛ ب) ظهور نوعی یا موضوعی. ظهوری است که به موجب علاقه‌های لغوی و قاعده‌ها و اسلوب‌های کلی در هر زبان و عرفی ایجاد می‌شود و این ظهور است که در نزد اکثر علما موضوع حجیت است نه ظهور شخصی (صدر، ۱۴۱۵: ۱۸۸/۳).

مقصود از ظهور در اینجا ظهور لفظی است. به معنایی که شنونده - به عنوان یکی از افراد عرف از کلام گوینده می‌فهمد و کلام او بر آن به عنوان مقصود گوینده دلالت می‌کند، ظاهر گفته می‌شود. خواه دلالت لفظ بر آن معنا به اقتضای وضع لفظ بر آن معنا باشد یا به سبب قرآینی که ذهن شنونده را به آن معنا منتقل می‌کند. چنانکه به دلالت لفظ بر آن معنا ظهور گویند (مؤمن القمی، ۱۴۱۹: ۴۵).

در اصطلاح، ظهور مقابل نصّ به کار می‌رود. تفاوت آن دو این است که دلالت نصّ بر معنای مقصود صریح است و احتمال خلاف در آن راه ندارد. برخلاف ظهور که در مورد آن احتمال خلاف - هر چند ضعیف - می‌رود؛ بدین معنا که احتمال داده می‌شود مقصود گوینده غیر آن باشد. از عنوان یاد شده در اصول فقه سخن گفته‌اند. (حکیم، ۱۴۱۸: ۱۶۴)

### معنای لغوی ظاهر:

ظاهر از ریشه‌ی «ظَهَرَ» گرفته شده و به معنای حاصل شدن و به دست آمدن چیزی است بر روی زمین که از دید پنهان نباشد. باطن نیز به چیزی گفته می‌شود که در نهان و بطن زمین پدید می‌آید. در فرهنگ قرآن به هر چیز قابل دیدن و آشکار، ظاهر و به امور پنهانی باطن گفته می‌شود، مانند: امور دنیوی و اخروی (اصفهان‌ی، ۱۴۰۴: ۳۱۷).

### معنای لغوی حجت:

در لغت یعنی احتجاج کردن به وسیله ادله‌ای بر دیگران بدین صورت که طرف مقابل یا سکوت کند و یا وادار شود عذر صاحب حجت را بپذیرد. به عبارت دیگر

۸۰ تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

صحت استناد به ظواهر کتاب و سنت در استنباط حکم شرعی را حجیت ظواهر گویند و به تعبیری دیگر حجیت به معنای وسیله‌ی پیروزی بر مخالف در استدلال می‌باشد. عده‌ای از علما و مجتهدین حجیت را چنین تعریف کرده‌اند: حجیت در لغت عبارت است از هر آنچه که صلاحیت دارد در استدلال بر ضد خصم به آن تمسک جست و به وسیله آن علیه دیگری احتجاج نمود به بیان دیگر هر آن چیزی که سبب غلبه و پیروزی بر خصم گردد در لغت حجیت نامیده می‌شود. برخی دیگر از اصولی‌ها حجیت در باب قطع و ظن را به معنای لغوی آن گرفته و برخی دیگر آن را نپذیرفته‌اند (سبحانی، ۱۳۸۷: ۲۱).

### معنای اصطلاحی حجیت:

حجیت، اصطلاحی در اصول فقه می‌باشد و هر کدام از علمای علوم انسانی و اسلامی تعریفی نسبت به آن ارائه داده‌اند و در اصطلاح هر علم و فن و گروه، معنای خاص و مصداق معینی پیدا کرده که با معنای لغوی آن هماهنگ است.

### بررسی اصالت ظهور در قرآن کریم و قاعده ید:

برای درک قاعده ظهور ابتدا لازم است قاعده ید را در قرآن کریم فقه و قوانین موضوعه بررسی کنیم. با پیدایش اخباریین در قرن ۱۱ هجری، حجیت بودن ظواهر از جهات متعددی مورد تردید قرار گرفت و برخی اخباریین حجیت قرار دادن ظواهر قرآن را انکار نمودند. آنان برای توجیه نظر خود تحریف قرآن را به صراحت پذیرفتند و در صدد اثبات آن برآمدند. تسلط نسبی تفکر آنان بر حوزه‌های شیعی بیش از یک قرن ادامه نیافت، اما برخی از نتایج نظرات آنان استمرار پیدا کرد. دانشمندان اصولی از همان آغاز به مقابله و نقد آراء آنان پرداختند، به گونه‌ای که هم اکنون نیز تمام دانشمندان فقه و اصول در حوزه‌های علمیه بر اعتبار و حجیت بودن ظهور تأکید می‌نمایند. اما در قواعد فقهی، قواعد دیگری نیز داریم که ارتباط نزدیکی با قاعده ظهور دارند و برای درک بهتر موضوع به توضیح یکی از آن‌ها خواهیم پرداخت این قواعد عبارتند از قاعده ید، قاعده فراش، قاعده اوفوا بالعقود و یا العقود تابعه للقصود و... که در اینجا قاعده ید مورد بررسی قرار می‌گیرد.



در فقه و حقوق و در اصول فقه قواعد گوناگون و متنوعی وجود دارد که اختصاص به مورد معینی ندارد. برخی از آنها فقط قاعده‌ای فقهی یا اصولی است و بعضی دیگر هم در فقه و اصول فقه و هم در حقوق استناد و استعمال می‌شود. از قواعد معتبر و معروف فقه و حقوق، قاعده ید می‌باشد که از آن به اماره تصرف، اماره ید، قاعده تصرف، ید و غیره اسم برده شده است. اهمیت این قاعده و کاربرد وسیع آن موجب گردیده است که معمولاً فقیهان و حقوقدانان در اظهارات و نوشته‌های خود به این قاعده اشاره می‌کنند و البته مردم عادی هم با توجه به عرف جامعه به آن استناد می‌نمایند.

### قاعده ید:

قاعده ید یکی از قواعد مهم در فقه و اصول و قوانین اسلامی و بخصوص در فقه امامیه و همچنین حقوق موضوعه ایران است. قاعده ید را از جهات مختلف می‌توانیم بررسی کنیم که یکی از آن جهات کسب و مالکیت است که شامل مواردی از قبیل (احیای موات و حیازت مباحات می‌باشد).

### قاعده ید در قرآن کریم:

یکی از قواعد بسیار مهم در فقه اسلامی امامیه قاعده «ید» است. این قاعده به معنای اماره بر مالکیت در همه مذاهب فقهی بوده، اما تنها در فقه شیعه به عنوان قاعده‌ای مجزا در آن بحث شده است. واژه ید به صورت‌های مختلف، مفرد، تثنیه و جمع ۱۲۰ بار در قرآن به کار رفته است و به معانی حقیقی و مجازی فوق آمده است. (برجی، ۱۳۸۴: ۷۲-۷۵).

با توجه با این که قاعده ید از قواعد فقه اسلام است و اکثر فقها در مورد آن بحث و تبادل نظر کرده‌اند ما نیز قاعده مذکور را از جهات مختلف که در قرآن کریم نیز برای آن شاهد مثال داریم، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم زیرا قاعده ید خود دلیل بر حجیت قاعده ظهور است. منقول است که امام صادق (ع) فرموده‌اند: «لو لم یجز هذا لم یقم للمسلمین سوق». نخست جنبه سبب و موجد مالکیت است. از این جنبه تحت

۸۲ تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

عنوان مباحث حیات مباحثات، توضیح داده شد و اکنون آیات قرآن را که در مورد قاعده ید آمده است بیان می‌کنیم. واژه ید در قرآن کریم به شکل‌ها و مفاهیم مختلفی آمده است و هم‌چنین این واژه از نظر عدد به صورت مفرد، مثنی و جمع به کار گرفته شده است و دارای معانی مختلف حقیقی و ظاهری می‌باشد که با توجه به مفهوم آیه می‌توان به معنای حقیقی و یا ظاهری آن دست پیدا کرد. در اینجا لازم می‌دانم به برخی از آیات قرآن کریم که در آن کلمه ید به کار رفته است و دارای معانی گوناگون می‌باشد اشاره نمایم.

آیت الله سبحانی، معتقدند که دلالت ظواهر بر معانی خودش، جزء قطعیات است نه ظنیات. خلاصه این که مسئولیت ظواهر این است که معانی را در ذهن مخاطب ایجاد کنند و ظواهر هم این کار را به نحو تمام و کمال انجام می‌دهند. هم‌چنین ایشان معتقد هستند که نمی‌توان گفت ظواهر جزء ظنون است - با این استدلال که احتمال می‌دهیم متکلم، لفظ را در معنی مجازی به کار برده باشد و یا شوخی کرده باشد و یا در مقام توریه و یا تقیه باشد و ... که این‌ها موجب شوند تا قطع پیدا نکنیم که مراد متکلم، چه چیزی است - چرا که مسئولیت ظواهر، ایجاد معانی در ذهن مخاطب است و اصول عقلائی دیگر، مسئول رفع احتمالات ذکر شده و امثال آن‌ها هستند. بالاتر از این‌ها، آیت الله سبحانی بیان می‌کنند که نه تنها دلالت ظواهر بر معانی استعمالی قطعی است، بلکه حتی دلالت آن‌ها بر معانی جدی هم قطعی است زیرا احتمالاتی که ذکر شدند در ذهن متکلم و مخاطب وجود ندارند زیرا در دنیا هنگامی که افراد با هم مشغول تکلم هستند کسی تصور نمی‌کند که شاید متکلم قصد شوخی داشته است و یا شاید در معنای مجازی به کار برده و قرینه برای آن نیاورده است، و امثال ذلک. بله اگر متکلم، مقنن باشد یعنی عام و یا مطلق بگوید و گاه آن را بعداً تخصیص بزند و یا مقید کند، در آنجا می‌توان گفت که قطع به مراد استعمالی پیدا می‌کنیم ولی قطع به مراد جدی، بعد از فحص حاصل می‌شود (مومنی فر، ۱۳۹۲: ۴).

## اصولیون و ادله شرعی

اصولیون بیان داشته‌اند که ادله شرعی به سه گروه تقسیم می‌شوند که در اینجا به اختصار توضیحات لازم را در مورد آن‌ها بیان می‌کنیم.

- الف- ادله قطع آور مثل نصوصی که دارای کشف تام از واقع هستند و در صورت عدم ردع شارع معتبر هستند؛
- ب- ادله ظن آور مثل ظواهر آیات که دارای کشف ناقص هستند و در صورت عدم ردع شارع و داشتن اعتبار نزد عقلا، معتبرند.
- ج- ادله شک آور که برای آن‌ها کشفی وجود ندارد و در آن موارد، زمینه‌ی اجرای اصول عملیه مثل استصحاب، احتیاط، تخییر و برائت است (حلی، ۱۳۸۰: ۵).
- اصولیون به استناد ادله اربعه (قرآن، سنت، اجماع و عقل) بیان داشته‌اند که اصل اولی در ظنون و ادله شرعی ظن آور، عدم اعتبار است مگر در مورد ظواهر، خبر واحد، اجماع و شهرت (حلی، ۱۳۸۰: ۶۲).

### اخباریون و ادله عدم صحت ظاهر قرآن:

تا پیش از اخباری‌ها چنین مسئله‌ای چه در حوزه‌ی اصولی شیعه و چه در حوزه‌ی اصولی اهل سنت مطرح نبوده است. اخباری‌ها نیز نخستین بار مسئله را به عنوان حجیت ظواهر قرآن کریم مطرح نکرده‌اند، بلکه با تأکید بر منحصر بودن طرق کشف احکام شرع در روایات، لزوماً استخراج احکام را از روی قرآن منکر شده‌اند. همچنان که، به همین ترتیب عقل را هم به عنوان منبعی برای احکام انکار کرده‌اند. (سرامی، ۱۳۹۲: ۱۲-۶۰).

اخباریون می‌گویند به ظاهر قرآن نمی‌توان عمل کرد مگر آن که آیه قرآن از طریق اخبار و روایات تفسیر شده باشد، ولی اصولیون ظواهر قرآن را در جایی که اخبار هم نباشد حجیت می‌دانند. توضیح این که مدت دو قرن بین علمای اصولی و اخباری اختلاف عمیق وجود داشت و اخباری‌ها بر اصولی‌ها غالب شده بودند، تا اینکه آقا محمد باقر وحید بهبهانی (م ۱۲۰۸ ق) بساط آن‌ها را برچید و از زمان او مجتهدان بر اخباری‌ها غلبه یافتند و امروزه اخباری‌ها بسیار در اقلیت‌اند. شایان ذکر است که ظهور، انواعی دارد و مقصود از حجیت ظهور در تفسیر، ظهور کاشف از مراد خداوند متعال است، هر چند کشف نوعی باشد. بعد از بررسی نظر اصولیون و اخباریون و با توجه به موضوع این مقاله یعنی حجیت قاعده ظهور در فقه امامیه به نظر چند تن از فقهای امامیه خواهیم پرداخت چرا که بررسی نظر اکثر فقهای امامیه از ظرفیت این مقاله خارج است.

### انواع ظهور و نظر علامه نائینی:

ظهور الفاظ و بحث از حجیت ظواهر، از جمله مباحثی است که در علم اصول از آن بحث می‌شود. که به دو قسم ظهور تصویری که عبارت است از دلالت یکایک الفاظ و مفردات کلام بر معانی لغوی. که تابع علم به وضع است. در مقابل اما ظهور تصدیقی، از مجموع کلام ناشی شده و عبارت است از دلالت کلام بر معنایی که مجموعه کلام افاده می‌کند. این در حالی است که دانشمندان اصولی تقسیم ظهور را نپذیرفته و می‌گویند: ظهور یک قسم بیشتر ندارد و آن عبارت است از دلالت لفظ بر مراد گوینده و این دلالت تصدیقی است که اگر به صورت ظنی باشد، «ظهور» نامیده می‌شود (مظهر، بی تا: ۱۴۶).

نائینی می‌گوید: دلالت تصدیقی به معنای اول، آنست که در جواب سؤال از آنچه متکلم گفته است می‌آید یعنی اگر کسی بگوید متکلم چه گفت؟ پس می‌توان گفت که او چنین و چنان گفت. بدیهی است ثبوت این دلالت وابسته به فراغ متکلم از کلام است. اما دلالت تصدیقی به معنای دوم، دلالت کل کلام است بر اراده متکلم به صورتی که اگر کسی بپرسد مقصود متکلم چه بود، در جواب بتوان گفت مقصود متکلم چنین و چنان بوده است با توجه به آنچه گفته شد، معلوم می‌شود که دلالت تصدیقی به معنای اول، مرحله ظهور و به معنای دوم، مرحله حجیت است. در هر حال، دلالت تصدیقی با علم به صدور لفظ از متکلم و اراده جدی متکلم و نبودن قرینه متصل و منفصل در صورتی که قطع به مراد متکلم از آن حاصل شود، «نص» است و اگر ظن حاصل شود به طوری که احتمال خلاف آن عرفاً قابل اعتنا نباشد، «ظاهر» است. (میرشمسی، ۱۳۸۳: ۱۵۰-۱۵۱)

### نظر شیخ انصاری:

نظریه اصولی شیخ انصار، حجیت ظواهر قرآن است. نظریه وی مبانی خاصی دارد که به ادله عقلی و نقلی مستند هستند. در نگاه شیخ انصاری و برخی از پیروان ایشان، حجیت ظواهر قرآن مقتضای قاعده اولیه است، زیرا برابر این قاعده، عقلاً ظواهر را مطلقاً حجت می‌دانند. از جمله‌ی ظواهر، ظواهر قرآن کریم است و استثناء کردن آن از بقیه ظواهر بدون دلیل معتبر وجهی ندارد. «غرض از بیان آیات این است که مردم به وسیله ظواهر آیات، معانی آیات را

بفهمند پس اگر ظواهر حجت نباشند، مستلزم نقض غرض است، چون هدف از فرستان آیات، هدایت مردم به وسیله آیات است و این که مردم احکام خود را بدانند و به راه راست هدایت شوند؛ و هدایتگر و بیانگر بودن آیات به وسیله‌ی ظواهر کتابی است که به مردم می‌فهماند که کدام کار را انجام دهید و کدام کار را ترک کنید، حال اگر ظواهر حجت نباشد، فرستادن آیات لغو و بیهوده می‌شود؛ و این حکم از حکیم والا مرتبه قبیح است، بنابراین ظواهر کتاب حجت است (راد و علی تبار، ۱۳۹۳: ۸۵۷-۸۵۸).

دلیل عقلی شیخ انصاری ترکیبی از اصل عرفی در محاورات، دلیل حکمت الهی یا غرض از نزول قرآن است.

### دلیل نقلی:

شیخ انصاری در اثبات حجیت ظواهر قرآن، به ادله نقلی متعددی استناد می‌کند که مفاد مجموع آن‌ها جواز تمسک به ظواهر قرآنی است.

### نظر علامه طباطبایی:

منظور از ظاهر قرآن چیزی است که از مدلول مطابقی آیه استفاده می‌شود؛ به عبارت دیگر، ظاهر قرآن چیزی است که هر کس با لغت فصیح عرب آشنا باشد، همان ابتدا آن را از مفهوم آیه می‌فهمد. به عقیده وی، ظاهر و باطن دو امر نسبی‌اند و هر دو هم به وسیله کلام بیان شده‌اند جز این که این دو معنا در طول هم مورد نظر قرار گرفته‌اند، نه در عرض هم؛ یعنی نه اراده ظاهر لفظ، اراده باطن را نفی می‌کند و نه اراده باطن، مزاحم اراده ظاهر است؛ مثلاً از این آیه شریفه ﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَكَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنِ اللَّهُ لَأِيجِبُ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا﴾ (نساء/۳۶)

از ابتدای آیه متوجه می‌شویم که خدا را بندگی کنیم و بت‌ها را نپرستیم، اما آیت الله طباطبایی معتقدند علاوه بر این که نباید بت‌ها را پرستید، بلکه با یک دید بازتر، انسان نباید غیر خدا را پرستد، و نیز با نگاهی دیگر، انسان نباید حتی از دل خود پیروی کند، و نباید از خدا غافل شود و به غیر او التفات کند (طباطبایی، ۱۳۵۰: ۷۲).

۸۶ تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

در دنباله آیه به نص صریح قرآن کریم آمده است که «و خدا را بپرستید و چیزی را با او شریک مگردانید و به پدر و مادر احسان کنید و در باره خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه خویش و همسایه بیگانه و همشین و در راه مانده و بردگان خود نیکی کنید که خدا کسی را که متکبر و فخر فروش است دوست نمی‌دارد». یعنی در این آیه مبارکه هم به ظاهر قرآن و هم با توجه به نص می‌توانیم معنا و مفهوم آن را درک کنیم. پس نتیجه می‌گیریم ظاهر قرآن حجت است اما درعین حال در قرآن کریم نیز توصیه شده است که در آیات قرآن تدبر کنید.

### بررسی حجیت قاعده ظهور در فقه امامیه:

ظاهر در اصل به معنای قوت و پدیداری چیزی می‌باشد که غلبه و برتری در آن است و در قرآن نیز در همین معنای برتری و غلبه به کار رفته است، ظهور در برابر چیز نهان به کار می‌رود. دانشمندان اصولی گاه ظاهر را در معنای ظاهر الفاظ به کار برده‌اند یعنی چیزی که دلالت آن برتری و ترجیح دارد پس ظهور اصلی است که حکم می‌کند هرگاه چنین لفظی به کار گرفته شد، گرچه احتمال خلاف در آن باشد لیکن تا قرینه‌ای دال بر آن یافت نشود نباید به این احتمال توجهی کرد بلکه باید لفظ را بر معنای ظاهر حمل نمود با توجه به تعریف ظاهر و کلیتی که در آن است همه اصول لفظیه را در بر می‌گیرد. مانند ظهور لفظ عام در عموم و یا ظهور لفظ در معنای حقیقی که اصطلاحاً به آن (اصاله الظهور) گفته می‌شود ظاهر در این معنا از اصول لفظی به شمار می‌آید و ارتباطی با اصطلاح ظاهر در برابر اصل ندارد (علیشاهی قلعه جوقی، نجفی کشکولی، ۱۳۹۶: ۱۹۰).

فقهای امامیه به دلایل متعددی بر حجیت قاعده ظهور صحه گذاشته‌اند که در زیر به بررسی برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

**دلیل اول: عرصه بر قرآن:** فقهای امامیه معتقدند که خود قرآن تصریح می‌کند و فرمان می‌دهد که مردم در آن تدبر کنند و فکر خود را در معانی بلند قرآن به پرواز درآورند. پس مردم حق دارند که مستقیماً معانی آیات قرآنی را در حدود توانایی به دست آورند و عمل نمایند. به علاوه در اخبار متواتر وارد شده که پیغمبر اکرم و ائمه اطهار از این که اخبار و احادیث مجهوله پیدا شده و به نام آن‌ها شهرت یافته نالیده و رنج برده‌اند و برای جلوگیری از آن‌ها مسئله «عرضه به قرآن» را مطرح کرده‌اند.

فرموده‌اند که هر حدیثی که از ما روایت شده بر قرآن عرضه کنید اگر دیدید مخالف قرآن است بدانید که ما نگفته‌ایم، آن را به دیوار بزنید (منصوری و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۸).

**دلیل دوم: توجه به ظواهر الفاظ:** از طرف دیگر در دیدگاه فقه امامیه مهمترین و عمده‌ترین راه به دست آوردن خواسته‌های شارع مقدس از روی متون کتاب و سنت، ظواهر الفاظ است. از آنجا که ظواهر الفاظ مفید ظن نوعی به مرادات متکلم است، عقلاً و نقلاً برای این که بتواند مثبت و به دست‌دهنده‌ی مراد متکلم باشد در اعتبار خود نیازمند دلیل قطعی است. این دلیل عمدتاً از روی سیره‌ی عقلانی و سیره‌ی مشرعه به وسیله دانشمندان اصول فقه در مبحث حجیت ظواهر، تقریر و تثبیت شده است. با تثبیت چنین دلیلی ظواهر الفاظ راهی معتبر و قابل اعتماد برای به دست آوردن مرادات الفاظ کتاب و سنت می‌شود. از این اعتبار به حجیت ظواهر الفاظ یاد می‌شود که حکایت از سندیت مدرک بودن این ظواهر بین گوینده‌ی سخن و شنونده یا خواننده‌ی آن دارد (سرامی، ۱۳۹۲: ۱۲-۶۰).

بنابراین می‌توان بیان داشت که آنچه فقهای امامیه در مورد حجیت ظواهر کتاب، ادعا می‌کنند عبارتست از عمل به ظواهر کتاب بعد از مراجعه به تفسیر اهل بیت (ع) و بعد از فحص از مقیدات و منحصات. هیچکس ادعا نکرده است که بدون مراجعه به اخبار وارده از ائمه (ع) جایز است به طور مستقل به ظواهر کتاب عمل کنیم (میرشمسی، ۱۳۸۳: ۱۵۵).

آخوند خراسانی در این باره می‌گوید: اشمال قرآن بر مضامین عالی و مطالب پیچیده، مانع از فهم و ادراک ظواهری که در بردارنده احکام است، نمی‌شود (خراسانی، ۳۲۶).

انصاری در فرائد الاصول درباره روایاتی که در منع از عمل به ظواهر آورده شده می‌گوید: هیچکدام از روایات عمل به ظواهری که معنای واضح و روشنی دارند منع نکرده است و شامل فرضی که شخص از ناسخ و منحص و وجود قرینه بر اراده خلاف ظاهر تفحص نموده و به آن‌ها دست نیافته است نمی‌شود، تا تفسیر به رأی محقق شود زیرا هیچ یک از عقلا اگر در نامه مولایش ببیند که امر فرموده به چیزی، به هر زبانی که باشد و به آن عمل کند، این عمل را تفسیر نمی‌نامد زیرا تفسیر کشف قناع است (میرشمسی، ۱۳۸۳: ۱۵۶).

**دلیل سوم:** توجه به روایات مربوط به آیات احکامی: از این آیات می‌فهمیم ظاهر آن‌ها حجت است و حکم خدا معلوم و وظیفه‌ی همگان در قرآن مشخص شده و باید به آن عمل کنند. در موارد غفلت نیز تذکر و یادآوری آیه کافی است. آنچه از امیرمؤمنان (علیه‌السلام) نقل شده، نشان می‌دهد که دست کم بخشی از قرآن که درباره‌ی تحریم یا حلال کردن موضوعات متعارف نزد عرب عصر نزول بوده، بدون مراجعه به کسی، برای آن‌ها روشن، حجت و لازم‌العمل بوده است (حر عاملی، ۱۰-۱۱). به نظر می‌رسد تلاش اهل بیت (علیهم‌السلام) به ویژه در رویارویی با شاگردان لایق که می‌توانستند راهنمای مردم در احکام عملی اسلام باشند، همین بوده که آن‌ها متوجه شوند، ظواهر آیات احکامی حجت‌اند و رجوع به اهل بیت (علیهم‌السلام) فقط برای رفع ابهام یا دریافت جزئیات لازم برای عمل لازم بوده؛ وگرنه نیازی به مراجعه نیست. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و اهل بیت (علیهم‌السلام) نخستین مستند قاضی و حاکم را برای قضاوت قرآن قرار دادند. معروف است زمانی که معاذبن جبل آماده‌ی رفتن به محل مأموریت شده بود، رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به او فرمود: بر چه اساسی حکم می‌کنی؟ وقتی او گفت «بکتاب الله»، حضرت فرمود حق نداری؛ بلکه فرمود: «الحمد لله الذی وُفِّقَ رسولَ رسولِ الله لما یحبّه الله و رسولُهُ»: سپاس خدایی را که فرستاده‌ی رسولش را به آنچه خدا و رسولش دوست دارند، موفق کرد. پس معاذ برای قضاوت و حکم، از قرآن استفاده می‌کرده و قرآن را می‌فهمیده و از نظر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) کار او صحیح، بلکه محبوب خدا و رسولش بوده است (احسائی؛ ۴۱۴، ابن کثیر؛ ۴، شهرستانی؛ ۲۰۱).

**دلیل چهارم: حقانیت رسالت پیامبر:** قرآن افزون بر آنکه قواعد و قوانین زندگی بشر را بیان کرد، به گونه‌ای نازل شد که حجتی بر حقانیت رسالت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) باشد؛ چنان که امام صادق (علیه‌السلام) در بیان علت إعطای معجزه به انبیا و رسولانش (علیهم‌السلام)، فرمودند: «لیکون دلیلاً علی صدق من أتى به و المعجزة علامة الله لا يعطيها إلا أنبيائه و رسله و حججه ليعرف به صدق الصادق من كذب الكاذب»: برای این که دلیل صدق و راستی آورنده‌ی آن باشد و معجزه، علامتی الهی است که جز به انبیا و رسولان و حجت‌های خدا داده نمی‌شود [و] برای آن است که راستی و صدق [ادعای] راستگو از دروغ [بودن ادعای] دروغگو بازشناخته شود. در خصوص معجزه بودن قرآن از امام رضا (علیه‌السلام) نقل شده که فرمودند: «و إن الله تبارک و تعالی بعث محمداً (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فی وقت کان الأغلب علی



أهل عصره الخطب و الکلام ... فأتاهم من کتاب الله عز و جل و مواعظه و أحكامه ما أبطل به قولهم و أثبت الحجۃ علیهم»: و خدای تبارک و تعالی محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را در زمانی که خطابه و کلام [و به گمان راوی، شعر] نماد غالب آن بود، برانگیخت و [متناسب با این اوضاع] او کتاب خدای عزوجل و مواعظ و احکام آن را آورد که با آن، اقوال آن‌ها را ابطال و حجت بودن [و حقانیت] خود را اثبات کرد. این احادیث نشان می‌دهند که نه تنها در بخش احکام و ظواهر آیات، بلکه در بخش عقلی و آیات اعتقادی نیز قرآن حجت است؛ زیرا تمام قرآن، دلیل حجت بر حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و دعوت اوست (میرعرب، ۱۳۹۴: ۲-۱۰).

**دلیل پنجم: روایت ثقلین:** روایت متواتر «ثقلین» که در آن امر شده به تمسک به قرآن و سنت، بدیهی است برای تمسک به قرآن، جز دریافت معانی قرآن و عمل به آن، معنای دیگری نمی‌توان تصور کرد. قمی در این باره می‌گوید: از حدیث ثقلین آنچه به ذهن تبادر می‌کند، تمسک بی‌واسطه به کتاب و سنت است و عطف سنت به قرآن صراحت دارد بر این که هر یک به طور مستقل مفید فایده‌اند و عدم افتراق آن‌ها از یکدیگر دلالت ندارد بر اینکه فهم جمیع قرآن متوقف باشد بر بیان اهل بیت، بلکه بیان ائمه در فهم متشابهات است. صاحب فصول نیز در تأیید این مطلب می‌گوید: شکی نیست در این که تمسک به عترت و روایات اهل بیت، مشروط به موافقت کتاب نیست بلکه مخالف کتاب نباید باشد) و عکس آن هم همین طور - یعنی تمسک به قرآن مشروط به موافقت سنت نیست - زیرا بدیهی است که استقلال در وجوب تمسک در یکی، ایجاب می‌کند در هر واقعه‌ای تمسک هر دو با هم مورد نظر نباشد، زیرا استقلال یکی از دو دلیل، مستلزم استقلال دلیل دیگر است (میرشمسی، ۱۳۸۳: ۱۵۶).

فقه امامیه چنین استظهار می‌کنند که حدیث، حجیت استقلالی و هم عرض ثقلین یعنی کتاب و عترت را دلالت می‌کنند؛ زیرا ما را هم عرض عترت به قرآن ارجاع می‌دهد (خراسانی، ۱۳۹۴: ۶۲).

**دلیل ششم: سیره عقلا:** بحث از حجیت ظواهر آیات در حقیقت گفتگو از اصل حجیت آیات است زیرا اگر ظواهر آیات حجت نباشد، نظر به این که نصوص بسیار کم است، از آیات به عنوان دلیل اصلی احکام چیزی باقی نمی‌ماند تا در استنباط احکام شرعی بدان استناد شود. حجیت ظواهر آیات قرآن مجید همچون ظواهر سنت و سایر امارات ظنی به دلیل معتبر قطعی نیازمند است تا با ترتیب صغری و کبرای منطقی

۹۰ تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

بتوانیم به مطلوب قطعی دست یابیم. به عبارت دیگر ظواهر آیات دلیل ظنی است و دلیل ظنی مادامی که مستند به دلیل قطعی نباشد، حجّت نیست، لذا باید دلیل قطعی بر حجّیت آن وجود داشته باشد تا استناد به ظواهر آیات، صحیح باشد. مهمترین دلیل بر حجّیت ظواهر، سیره عقلاست (میرشمسی، ۱۴۷:۱۳۸۳).

#### ۴- نتیجه‌گیری:

با بررسی این مقاله در قالب بررسی قاعده حجیت ظهور در فقه امامیه نتایج زیر حاصل گردید که: **اولاً**، در دیدگاه فقه امامیه مهمترین و عمده‌ترین راه به دست آوردن خواسته‌های شارع مقدس از روی متون کتاب و سنت، ظواهر الفاظ است. از طرف دیگر آنچه فقهای امامیه در مورد حجیت ظواهر کتاب، ادعا می‌کنند عبارتست از عمل به ظواهر کتاب بعد از مراجعه به تفسیر اهل بیت (ع) و بعد از فحص از مقیدات و مخصصات. **ثانیاً**، بحث از حجّیت ظواهر آیات در حقیقت گفتگو از اصل حجّیت آیات است زیرا اگر ظواهر آیات حجّت نباشد، نظر به این که نصوص بسیار کم است، از آیات به عنوان دلیل اصلی احکام چیزی باقی نمی‌ماند تا در استنباط احکام شرعی بدان استناد شود. حجیت ظواهر آیات قرآن مجید همچون ظواهر سنت و سایر امارات ظنی به دلیل معتبر قطعی نیازمند است تا با ترتیب صغری و کبری منطقی بتوانیم به مطلوب قطعی دست یابیم. به عبارت دیگر ظواهر آیات دلیل ظنی است و دلیل ظنی مادامی که مستند به دلیل قطعی نباشد، حجّت نیست، لذا باید دلیل قطعی بر حجّیت آن وجود داشته باشد تا استناد به ظواهر آیات، صحیح باشد. مهمترین دلیل بر حجّیت ظواهر، سیره عقلاست. **ثالثاً**، با بررسی حجیت قاعده ظهور در فقه امامیه مشخص شد که این مقاله از این حیث حائز اهمیت است که قانونگذار ایران در نخستین دوره‌های قانونگذاری که به تدوین قانون مدنی دست زد به شدت تحت تاثیر قواعد شرعی قرار داشت و ادله‌ی اثبات دعوا از این قاعده، مستثنا نبود، همان‌گونه که نویسندگان آشنا با قوانین خارجی از محتوای این قوانین هم غافل نماندند.

## ۵- منابع:

- آخوند خراسانی (۱۳۹۳)، کفایة الاصول، نشر اسلامی، قم، ج ۲.
- ابن ابی جمهور احسایی؛ عوالی اللثالی؛ ج ۱، ح ۸۳ ابن کثیر؛ تفسیر ابن کثیر؛ ج ۱، ابوالفتح محمد شهرستانی؛ الممل و النحل؛ ج ۱.
- ابن منظور (۱۴۱۴ش)، محمدبن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر.
- اصفهانی، راغب (۱۴۰۴ش)، المفردات فی غرایب القرآن، مصر، دفتر نشر الكتاب.
- برجی، یعقوب علی (۱۳۸۴)، قاعده ید از نگاه فریقین، فصلنامه طلوع، سال چهارم، شماره ۱۳-۱۴.
- حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۲۵.
- حکیم، محمدتقی (۱۴۱۸ق)، الاصول العامّة للفقہ المقارن، قم، مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام).
- حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۰ش)، تهذیب الاصول، لندن، مؤسسه الامام علی (ع).
- راد، علی و فضل الله غلام علی تبار (۱۳۹۴)، شیخ مرتضی انصاری و ظواهر قرآن، مبانی، شرایط حجیت و گستره استناد، فصلنامه پژوهش های فقهی، دوره ۱۰، شماره ۴.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۷۷ش)، المحصول فی علم الاصول، قم، مؤسسه امام صادق (ع).
- سرامی، سیف الله (۱۳۹۲)، جایگاه قرآن در استنباط احکام، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
- صدر، محمدباقر (۱۴۰۵ق)، دروس فی علم الاصول، بیروت، دارالمتنظر.
- طباطبایی حکیم، محمدسعید (۱۴۱۴ق)، المحکم فی اصول الفقه، قم، مؤسسه المنار.
- علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل (۱۳۹۶)، سمیه نجفی کشکولی، تقدم اصل و ظاهر بر یکدیگر در فقه شیعه و حقوق موضوعه ایران، مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال دهم، شماره نوزدهم.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۸۶ش)، أصول الفقه، قم، اسماعیلیان.

۹۲ تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

- منصوری خواجه لنگی، ابراهیم و همکاران (۱۳۹۶)، بررسی حجیت ظواهر قرآن از منظر علمای اصولی و اخباری، مجله نخبگان علوم و مهندسی، جلد ۲، شماره ۲.
- مومن قمی، محمد (۱۳۱۷ش)، تسدید الاصول، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- میرشمسی، صدیقه (۱۳۸۳)، حجیت ظواهر آیات قرآن کریم، فصلنامه مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۵ (۱).
- میرعرب، فرج‌الله (۱۳۹۴)، علوم قرآن در احادیث اهل بیت (ع)، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
- مومنی فر، حافظ (۱۳۹۰)، حجیت ظواهر، فصلنامه مرآت، سال چهارم، شماره ۱۲.